

مردم را باور داشته باشیم

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

هیأت تحریریه مجله گرامی گزارش

در هنگامه مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری قصد نوشتن مقاله زیر را داشتم که یک بیماری شدید مرا بسترگیر کرد و نوشتن آن را به تأخیر انداخت، لذا احتمالاً مقاله زمانی به هیأت تحریریه می‌رسد که این انتخابات انجام شده یا در حال برگزاری است، مهذا گمان می‌کنم چون این انتخابات آخرین انتخابات در کشور ما نخواهد بود، خصوصاً که انتخابات شوراها را در پیش داریم، لذا مطالب آن می‌تواند برای عدم تکرار اشتباهات در آینده مفید باشد.

●●●

توجه فراوان و گسترده‌ای که در جهان امروز نسبت به رسانه‌های همگانی به ویژه رادیو و تلویزیون وجود دارد از آن روست که پیام‌رسانان به تأثیرگذاری چشم‌گیر آنها بر توده مردم آگاهی دارند و می‌دانند که به شرط رعایت مجموعه‌ای از نکات ظریف و حساس، قادر برآند تا بسته به بُرد صدا و تصویرشان، با توده‌های میلیونی، ده و چند صد میلیونی و بالاخره میلیاردی رابطه برقرار سازند و نظر بخش وسیعی از آنها را به پیام خود جلب کنند. اینکه گفته می‌شود در کشورهای غربی بر روی پدیده تبلیغات در تمامی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های وسیعی انجام می‌شود و شرکت‌های تولیدی برای فروش فرآورده‌های خود حتی بیش از هزینه تولید آنها در کار تبلیغات پول خرج می‌کنند، واقعیتی است که هیچ فرد آشنا به دنیای رسانه‌ها آن را نفی نمی‌کند. ولی همانطور که اشاره گشت، کار تبلیغات زمانی از تأثیرگذاری مطلوب برخوردار است که پیامهای آن با ظرافت و نکته‌سنجی گزیده شده باشد و با هنرمندی انتقال داده شود.

گردانندگان رسانه‌ها می‌کوشند تا از همکاری جمعی از جامعه شناسان، روانشناسان اجتماعی، مردم‌شناسان و... در تحلیل جامعه‌ای که روی سخن با آنها خواهد بود بهره بجویند و پیامشان را چنان تنظیم کنند و بیاریند تا بر بخش فراوانی از پیام‌گیرندگان اثر بگذارد. مهم‌ترین نکته مورد توجه رسانه‌ها اینست که

چگونه ایجاد ارتباط کنند تا پیام آنها بر خواسته از واقعیت جلوه گر گردد و بقول معروف بر دل نشیند. در این نوشته من بنا ندارم تا بحث روانشناسی تبلیغات و یا دانش و فن مربوط به آن را مورد بحث قرار دهم، همین قدر خواستم یادآور شوم که این پدیده در جهان امروز از چه موقعیت استثنائی برخوردار است و تا چه حد ظرافت در کار آن نهفته است.

اینکه امروز شاهد آنیم که از دولتها گرفته تا شرکتهای چند ملیتی، همه کوشش بر آن دارند تا سهام عمده رسانه‌های همگانی را در اختیار داشته باشند بدلیل آنست که می‌دانند برای اجراء هر سیاستی پیش از هر چیز، زمینه‌سازها و آماده ساختن ذهن جامعه برای قبول مسائل، حتی اعلان یک خبر بسیار بد و فاجعه‌آمیز تا چه حد از اهمیت بالائی برخوردار است. اینک در بسیاری از کشورها تلاش نیروهای آزاداندیش ملی برآنست تا رسانه‌ها را از زیر نفوذ بسی چون و چسرای دستگاه حکومت و گروههای صاحب قدرت بیرون بیاورند و شرایطی فراهم کنند تا به گونه‌ای نظارت ملی بر آنها وجود داشته باشد بدلیل آنست که می‌دانند قبضه گشتن این اهرم نیرومند در دست صاحبان قدرت چگونه می‌تواند جامعه‌ای را به تباهی بکشاند.

نیروهای آزاد اندیش برآنند تا جامعه را از زیر ضربه‌های سهمگین تبلیغات یک سویه نجات ببخشند و شرایطی فراهم آورند تا فرصت لازم برای طرح نظریه‌های دیگر فراهم آید و اصل گفت و گو و نقد دیدگاهها و برنامه‌ها در رسانه‌های همگانی پذیرفته شود. نیروهای ملی برآنند تا هرچه گسترده‌تر مردم را به حضور در گفت و شنود درباره تمامی مسائل جامعه علاقه‌مند بسازند و بجای آنکه یک جریان صاحب قدرت بجای همه ملت بیندیشد و خط معینی را پیش رو بگذارد، برآنند تا شرایطی پدید آید که حتی یک دولت ملی خود را ناگزیر از آن بداند که براساس اظهار نظرها و ابراز تمایل ملت و تحلیل‌های آزاداندیشان صاحب نظر با مسائل برخورد کند و به برنامه‌ریزی بپردازد. توجه کشورهای پیشرفته جهان به سیستم‌های سیاسی پارلمانی در برگیرنده حزبهای سیاسی بدان جهت بوده که معتقدند در سیستم‌های

چند حزبی، فضای جامعه باز خواهد ماند و گروههای سیاسی با طرح نظریات و ارائه برنامه‌ها و نقد دیدگاههای دیگران، مردم را به اندیشیدن، مقایسه کردن و سپس گزینش و می‌دارند و جو شعاع و برانگیختن احساسات، به ناچار جای خود را به تدریج به ارزیابی و سبک و سنگین کردن نظریات مختلف و حضور مسئولان مردم در حیات سیاسی و اجتماعی کشور خواهد داد. نبود آزدادی قلم و گفتار و «تابوه» ساختن از مقامهای اجرائی کشور بجای جوابگو بودن و حساب پس دادن در برابر ملت، همه و همه عواملی هستند که موجبات بسته ساختن فضای باز یک کشور را فراهم می‌سازد و موجبات نادیده انگاشتن نقش حاکمیت ملی را فراهم می‌آورد.

فراخوانی جامعه به ارزیابی برنامه‌ها

اگر باور داشته باشیم که در سیستم‌های حکومتی که ریاست جمهور در قانون اساسی آنها سمت ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد، مهم‌ترین انتخابات ملی بشمار می‌رود، آن وقت متوجه خواهیم گشت که چه تفاوتی بنیادینی میان انتخابات ریاست جمهوری در ایران با دیگر کشورهای جهان وجود دارد. در دیگر کشورها چه دو حزبی و چه چند حزبی، دست کم از دو سال به شروع انتخابات مانده، حزبها پیش از آنکه فرد معینی را معرفی کنند، ضمن نقد از برنامه‌های حزبی که قدرت را در دست دارد، به معرفی و تشریح برنامه‌های خود می‌پردازند و بجای رودروئی دو یا چند شخصیت با هم، جامعه را به ارزیابی برنامه‌ها فرا می‌خوانند. شخصیت‌های معتبر وابسته به حزبها و چهره‌های معتبر صاحب اندیشه و کارشناسان، طی میزگردها، کنفرانس‌ها، نوشته‌ها و مصاحبه‌ها به دفاع و رد نظریات و با نقد آنها می‌پردازند. باین ترتیب توده مردم به ویژه افراد غیرحزبی فرصت آن را می‌یابند تا نسبت به دیدگاهها و برنامه‌ها شناخت لازم را بدست آورند. نارسائی‌ها به گونه‌ای عریان و بدور از گفته‌های غلط‌انداز روشن می‌گردد و مردم در گزینش خود با چشم باز و مسئولانه عمل می‌کنند.

در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری و با

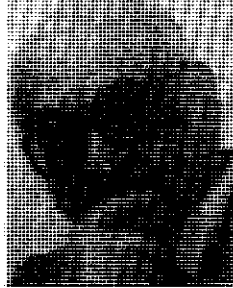
گذشت هیجده سال از تغییر رژیم معلوم شد هنوز در خم یک کوچه‌ایم. نه از حضور حزبه‌ها نشانه‌ای می‌بینیم، نه نشانه‌ای از گفت و شنودها و میزگردها و گردهم‌آنی‌های جریانهای خارج از نظام وجود دارد. جریانهای وابسته به نظام نیز بجای طرح برنامه‌های جامع خود درباره چگونگی بر خرد بانارسانی‌های بنیادین و بحرانهای مختلف و فزون از حد، از یکسو سرگرم تبلیغات کلیشه‌ای همیشگی خود هستند و از سوی دیگر برآند تا طرف مقابل را از توان بیندازند. هیچ یک از دو جریان عمده در قبال مسائل اساسی چون: بحران فراینده دیپلماسی کشور، وضع ناسامان اقتصادی، ضعف تولید ملی، رشد تورم، گسترش مدارم فقر، ناسامانی‌های اجتماعی، نبود یک مدیریت توانای بهره‌مند از نیروی کارشناسی ورزیده، آفت کیفی دانشگاهها و ضعف توان پژوهشی و آفرینش فرهنگی و بسیاری دیگر، سخنی روشن همراه با برنامه‌ای منسجم و زمانبندی شده ارائه نکرده‌اند. برخی چهره‌های بیرون از چارچوب نظام نیز با توجه به محدودیت‌های فراوان، قادر بر آن نبوده‌اند تا در سطح محدود تیر پیام خود را چنانکه باید به توده مردم برسانند.

در برابر دستگاه تلویزیون که با پول این مردم اداره می‌شود فقط در چند برنامه محدود با شرکت چهره‌هایی معین از طرفداران نامزدهای وابسته به نظام، میزگردهائی تشکیل داده که از مقداری تعارف و مشتی کلی‌گویی فراتر نرفته‌اند. این آقایان نه در جناح بازار و نه در جناح به ظاهر مقابل آن هیچ یک تحلیلی درباره وضع اقتصادی کشور و فشار روز افزونی که بر گرده مردم وارد می‌گردد سخنی که بتواند راهگشا باشد مطرح نکرده‌اند. آنها حتی خود را با پدیده مهمی چون مسئله تجارت جهانی و پیوستن یا نپیوستن و چگونگی برخورد با «گات» که امروز هیچ کشوری نیست که درباره آن سیاست روشنی اتخاذ نکرده باشد، آشنا نساختند و برای رهائی از اقتصاد تک محصولی با توجه به رشد روز افزون مصرف انرژی فسیلی در داخل کشور، هیچ برنامه روشنی را عرضه نکردند.

این هم از مصاحبه‌های خیابانی

دستگاه تلویزیون به خود اجازه آن را نداد تا در دو سه ماه مانده به انتخابات با تشکیل چند ده میزگرد با حضور کارشناسان در زمینه‌های مختلف، از آنها برای حل مشکلات نظرخواهی کند و سپس دست کم از نامزدهای ریاست جمهوری بخواهد تا مواضع و برنامه‌های خود را در قبال این دیدگاههای کارشناسی برای مردم تشریح کنند.

نگاهی به مجموعه مصاحبه‌های دو سه جمله‌ای خبرنگاران با مردم کوچه و بازار، به روشنی نحوه نگرش و شیوه برخورد سطحی این رسانه را با رویداد مهمی چون انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد. انبجام دو سه پرسش مشخص و جهت‌دار برای



دکتر پرویز درخاندان

دریافت پاسخ‌های مورد نظر از افراد معین و دستچین شده، برخلاف پندار گردانندگان این رسانه، نه تنها تأثیر دلخواه را در مردم نخواهد داشت، بلکه موجبات رمیدگی و وازدگی مردم را از این رسانه بیشتر فراهم خواهد ساخت. توده جامعه‌ای که خود شاهد موضع‌گیریهای روزمره مردم در گوشه و کنار شهر

می‌باشد، شنیدن پاسخ‌های یکسکان کلیشه‌ای و یکساخت و بی‌روح، جز آنکه بر وازدگی‌اش بیافزاید و اکشن دیگری نخواهد داشت. این تهیه‌کنندگان محترم به ابتدائی‌ترین اصول پیام‌رسانی توجه نداشتند و نمی‌دانند که اگر در پخش همین پاسخ‌های کلیشه‌ای دست کم ده درصد پاسخ‌هایی گنجانده شود که حال و هوائی متفاوت را در آنها بتوان دریافت، شانس اینکه بر آن نود درصد مورد نظرشان تأثیرگذار باشد، بیشتر خواهد بود. آنها چنان خود را در تنگنای سانسور می‌بینند که حتی در گزینش مصاحبه‌شوندگان نیز دقت بر آن دارند که نکند رنگ لباس کسی بجای مشکی، قهوه‌ای باشد و در لحظه پرسش و پاسخ لبخندی بر چهره داشته باشد.

اینهمه تلاش برای قرار دادن همه چیز در چارچوب‌ها و قالبهای از پیش ساخته شده به چه تیت است؟ کدام کشوری را سراغ دارید که از راه بستن فضا و دور داشتن جامعه از انجام گفت و شنودهای آزاد بهره برده باشد و در دراز مدت با بحران و فاجعه مواجه نگشته باشد. بیانید مردم را باور داشته باشید و از دادن فرصت‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ای باز در جهت دخالت مردم در تعیین سرنوشت خویش و استقرار حاکمیت ملی نگران نباشید.

مردمی که در طول هشت سال جنگ خونین و ویرانگر با عراق، با همه سختی‌ها و فشارها و رنج‌ها ساختند و در سایه وحدت ملی از یکپارچگی میهن و استقلال کشور سلحشورانه پاسداری کردند، توان و شخصیت آن را دارند که در یک فضای باز، هوشمندانه و اندیشیده سخن بگویند و اظهار نظر کنند و سرنوشت کشور را بدست کسانی بسپارند که با آشنائی بر تاریخ و فرهنگ و نیازهای این سرزمین و توجه به واقعیت‌های جهان، بتوانند از منافع ملی و کیان این ملت پاسداری کنند.



آژانس هواپیمائی

مجد سیر



نمایندگی فروش بلیط‌های هواپیمائی
ایران ایر و کلیه خطوط بین‌المللی
(خارجی و داخلی)

(فروش بلیط ارزان قیمت به تمام نقاط دنیا)

دفاتن: تهران، خنابان ستارخان، خنابان شهرآرا، مقابل
اداره گمرنامه، پش ۱۶ هنری محمدی، پلاک ۲/۲
کدپستی ۱۲۴۳۷ تلفن: ۹۷۷۱۸۵ - ۹۷۷۶۴۴ - ۹۸۳۶۴۴
فکس: ۹۷۸۹۷۵

اجتماعی